

فهرست

۷	گفتار.....
۱۰	مه.....

فصل اول :

۱۵	سیقی کلاسیک در سده بیستم.....
۲۲	تاریخچه ۱۵۰ سال مکتب کلاسیک و رمانتیک.....
۳۳	بررسی تفاوت‌های کلی ۱۵۰ سال کلاسیک و رمانتیک.....
۳۳	• فرم.....
۳۶	• ملودی.....
۴۶	• هارمونی.....
۵۳	• تنالیته.....
۵۳	• ریتم.....
۵۵	• علائم دینامیک.....
۵۷	اشاره ای به تکامل همزمان هنرها و تاثیر سایر هنرها بر موسیقی.....
۵۸	• یاناچک، بوزونی، زاتی، اسکریاین، ایوز.....

فصل دوم :

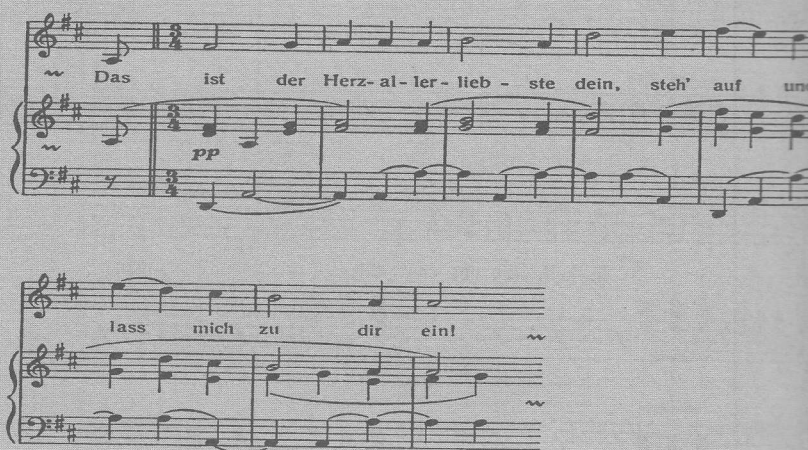
۷۱	رهای فرهنگ‌ساز در اروپا.....
۷۳	سخنی درباره سایر هنرها.....
۸۷	شونبرگ و دوره دوم مکتب وین.....
۹۶	اشاره ای کوتاه به آلبان برگ و شیوه کاری او.....
۹۸	اشاره ای کوتاه به وبر و شیوه کاری او.....
۱۰۲	• شونبرگ، برگ، وبر.....

- ۰۳.....نبض موسیقی اروپای شرقی در دستهای استراوینسکی و بارتوک
- ۰۴.....* خصوصیات سبکی استراوینسکی و بارتوک
- ۱۶.....- تاثیرپذیری موسیقی از عناصر بیرونی در قرن بیستم

* فصل سوم :

- ۲۱.....بررسی مراحل اولیه موسیقی مدرن، نئوکلاسیسم و فولکلوریزم
- ۲۹.....- استراوینسکی، بارتوک، هیندمیت
- ۴۸.....- سیر تکاملی سبک‌ها و فرم‌های مختلف
- ۴۹.....- محدوده سبکی در منطقه غرب و جنوب غربی اروپا
- ۵۰.....* فرانسه
- ۵۴.....* ایتالیا
- ۵۵.....* انگلیس
- ۵۶.....* آمریکا
- ۵۸.....* آلمان
- ۶۲.....* بلاشر، فورتنر، کرنک
- ۶۳.....- شیوه شرق و جنوب شرقی اروپا
- ۶۹.....* بوتینگ، دساو، ایسلر، ارنست اچ میر، سیلن سک، کوخان
- ۷۲.....* بحران فرهنگی
- ۷۷.....- تکامل ردیف و تکنیک ۱۲ تنی پس از ۱۹۵۰
- ۷۹.....* هاور
- ۸۸.....- شرح وقایع تاریخی به شکل فشرده
- ۹۵.....* کرنک، فورتنر، هارت من، دلاییکولا، سیمرن، و...
- ۰۵.....- ترکیبات جدید
- ۱۶.....- نتیجه‌گیری مختصری از آنچه گذشت
- ۲۳.....- آهنگسازان تأثیر گذار قرن بیستم
- ۳۹.....- لغات و اصطلاحات تخصصی

مس نیز با تم شاعرانه خود، در مقابل قواعد موسیقی کلاسیک می‌ایستد. (تصویر ۱۰)
 رتی سبک و مفهوم، به وضوح در آثار موسیقیدانان اواخر رومانتیک دیده می‌شود. برای نمونه
 ملودی ترستان، دگرگونی کامل مفاهیم احساسی و نظم یافته را به دنبال دارد. در همین
 ملودی ملی ترانه‌های قدیم که سبک بسیار ساده و عامی دارد، الگوی کار قرار می‌گیرد.

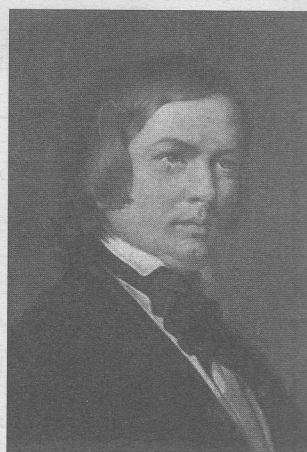


مالر آواز - هورن‌های معجزه‌گر - جایی که ترمیت‌های زیبا به صدا در می‌آیند.

تصویر ۱۱



واگنر



شومان

در اصوات» درباره اهمیت نگاه او به آینده و خواسته‌های ذهنی اش از موسیقی است. دال‌های ساده عبارتند از: زیبایی، مهارت و تلاش برای پایدار نگهداشتن ارزشها. در این تئوریا اتفاق تازه را تجربه می‌کند که به یکپارچه شدن موسیقی، پیدایش مطلق، بازگشت به ملودی و مطلق گرایی موزیک می‌انجامد.

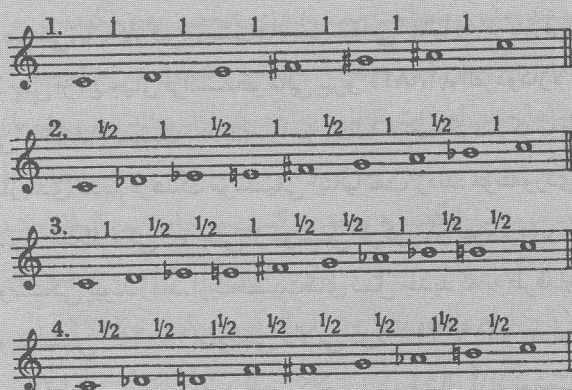
ف او انتقال درست موسیقی به شنونده و ایجاد ترکیبی دیگرگون برای آیندگان بود. ز بین بردن تضادهای موجود میان تفکر موسیقایی ایتالیا و آلمان، کلاسیک و رومانیک ن‌طور ایجاد کردن پلی برای اتصال فرم‌های پر حرارت جنوب (ایتالیا) و نیروی شمال اروپا به یکدیگر. او از تمامی این عناصر، در عمیق‌تر شدن موسیقی خود بهره همچنین در آثار خود بر مسائلی که تا مدت‌ها ذهن سایر آهنگسازان را به خود مشغول بود، راه حل‌های تازه ارائه داد.

این ترتیب که به مطالعه و عمل در زمینه دو سبک نئوکلاسیسم و اکسپرسیونیسم ت و علی‌رغم این‌که هنوز نتیجه‌گیری مطلوبی از عرضه موسیقی جدید شونبرگ و یسکی در ۱۹۱۰ به دست نیامده بود و یک فاصله زمانی در این میان وجود داشت، و به انسجام رسید. یعنی درست همان کاری که موسیقیدانهای مکتب وین انجام داده گرچه بوزونی بسیار تحت تأثیر واگنر بود، اما در حیطه اپرا، جذابیت آثار او را نداشت و طور درام وریسم^۱ را نمی‌پسندید. بوزونی صحنه‌هایی از آرلچینو را با هنرکمدی ه^۲ پیوند زده بود. این صحنه‌ها تشابه‌هایی نیز با صحنه‌هایی از زیرینتا در آریادنه^۳ اوس داشت. نمونه دیگر این نوع کار دکتر فاوست بود که ده سال آخر عمر بوزونی بود اختصاص داد. در این اثر او مسائل درام موسیقی را در فرم موسیقی مطلق جای د. مشابه کاری که آلبان برگ در وتسک^۴ انجام داد، تمام صحنه‌های دکتر فاوست با یونی همراه است که نموداری از رقص (سویت) رندو^۵ و سینفونیا^۶ را در خود دارد.

۷۶: مفهوم کلی ادبیات، هنرهای تجسمی و درام طبیعت در قرن ۱۹ و ۲۰ ایتالیا

2. Commedia dell arte
3. Ariadne Zerinetta
4. Wozzeck
5. Rondo
6. Sinfonia

صیات اوست. استفاده از گامهای کروماتیک که با تشکیل تن کامل و نیم تن به نظم نوین می‌انجامید، ترکیب اصوات سنتی، به خصوص اصوات اکسپرسیونیسم رمونی، به کار بردن گام‌های تازه و منحصر به فرد، همین‌طور استفاده از ریتم گذاری که از قوانین ملودی و کنترپوئن بهره می‌برد، از خصوصیات آثار اوست.



مسیان 1-4 Modi

صویر ۵۹

صوات و ملودیهای زیبای او نوعی رنگ آمیزی درونی جلب نظر می‌کند. مسیان
 العه دقیق در اصوات پرندگان^۱، از آنها در بیان موزیکال خود بهره برد. ساخته‌های
 برای کرال، ارگ، موسیقی مجلسی و ارکستر در پرونده پربار کاری او دیده می‌شود.
 از گذشت مدتی معلمی کنسرواتوار پاریس را بر عهده گرفت و بدین ترتیب بر
 ی از موزیسین‌های جوان در تمام نقاط دنیا تأثیر گذاشت. رنه لایوویتس^۲، شاگرد
 ۱۹۱۱ مدرسه‌ای نظیر مدرسه و بر تأسیس کرد که پس از جنگ جهانی دوم به نقطه
 مدرسه دودکافونی در پاریس تبدیل شد و تشویق جوانان آهنگساز را به فراگیری
 نو بر عهده گرفت. تأثیر تکاملی او را در محبت دیگری دنبال خواهیم کرد.

1. Vogelrufe

2. Leibowitz

ن در حقیقت تغییر از موسیقی نقطه‌ای به سمت ساختار گروهی است. متسگر^۱ در پنجمین باره خود پیرامون ردیف آورده است: قطب مخالف نقطه‌ای، استاتیستیک است که در یک به کار می‌رود. در این شیوه مجموعه کار مفهوم نقطه‌ای خود را از دست داده، عناصر د جایگزین آن می‌شود و بر فشردگی، بلندی و کوتاهی اصوات، زمان، شدت انتقال، مت بالا و پائین رونده، تعویض تمایلات و به طرف هم کشیده شدن به طور مساوی تأثیر می‌گذارد. برای مثال در مجموعه استاتیستیک، نت‌های بسیار زیادی با مشخصه «سرعت تا امکان» و به شکل زینتی بر تن اصلی وارد می‌شود. در این شرایط بافت نقطه‌ای گسسته می‌شود و یک آکوستیک نامشخص در ارزش زمانی نت‌ها به وقوع می‌پیوندد. (تصویر ۷۱)

مجموعه ارزش زمانی در تصویر ۷۰، قطعیت نداشتن ارزش زمانی در میزان را نشان می‌دهد و افه‌بودن زمان‌های مختلف در این روش، فقط در استاتیستیک به نتیجه معینی می‌رسد.

به این ترتیب نظم از تن‌های منفرد در میزان کنار رفته و در اساس نوعی فشردگی خود می‌آورد. به این ترتیب اساس آهنگسازی استاتیستیک فراهم می‌گردد.

براین از میان مجموعه ردیف و تقدم و تأخر آن، قوانین از پیش تعیین شده فرم برای تار به طور اتوماتیک مطرح می‌گردد. گروه ردیف شامل تن‌ها و اصوات است. گروه ات در مجموعه منظم یک فرم واحد گنجانده می‌شود و تکراری که سازنده اساسی این است به ایجاد واحد در کار می‌انجامد. در نتیجه از مجموعه از قبل تعیین شده برای تبدیل به شکل جدید، هم زمان قوانین فرم برای تکرار مجدد فراهم می‌گردد.

مجموعه تعیین شده از قبل، در حالت فشرد و در نقطه اوج خود، از تکنیک سریل که خواستار آزادی است و در جدول قراردادی ادامه فرم جای می‌گیرد، تبعیت می‌کند. به این ترتیب به استاتیستیک با ایجاد زمینه دگرگونی، آگاهانه در مسیر آهنگسازی هدایت می‌شود. بولتز ستوک هاوزن به طور اخص، به آزمایش امکانات تازه‌ای که از حالت انعطاف‌ناپذیر خود ج شده بود، پرداختند. پیرامون این رشد تدریجی دو نکته مهم قابل ذکر است:

- علیرغم افزایش اختلافات و پیچیدگی هر یک از پارامترها، به نظر می‌رسد که بررسی اختلافات در فرم طبقه‌بندی استاتیستیک و در چهارچوب معیارهای گوناگون، به ندرت می‌شده است. بهترین راه حل این مسئله، ترکیب ملایمی نظیر موسیقی الکترونیکی است